

«توهم مثل من» در پایان راه

تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «تو هم مثل من» به کارگردانی بهرام درخشان و تهیه‌کنندگی رضا علیپور به پایان رسید و این مجموعه به‌زودی آماده پخش می‌شود. این مجموعه تلویزیونی که روایتگر ماجراهایی در یک دفتر مجله است، مخاطب را وارد داستان آدم‌هایی می‌کند که در جامعه درگیر اتفاقاتی خاص هستند. نقش اصلی این مجموعه، درگیر پایان نامه خود درباره همین معضلات است و این اتفاقات

سریال جدید تلویزیون عنوان شد

در جشن سربِ برون

روایتی از دوران تجدد در ایران

گلین در خصوص دلیل جذابیت آن برهه تاریخی برای مخاطب عنوان می‌کند: فضای جنوب کشور با محوریت شهر شیراز و اتفاقاتی که در آن ایام از شیراز تا خلیج فارس افتاده، در این سریال روایت می‌شود و ما شاهد یکی از زیباترین وقایع تاریخی در آن ایام هستیم. از یک طرف اولین گام‌های انگلیسی‌ها برای تصاحب منابع نفتی جنوب آغاز شده بود. همزمان دولت مرکزی درگیر وقایع مشروطه بود. در واقع رویه‌روشدن قاجار با یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های آن سال بود. از طرفی هم جامعه فارس به عنوان مهم‌ترین نقطه در جنوب کشور با یک نواندیشی و تحول در میان روشنفکران و مردمانش همراه شد. به عنوان مثال، در آن زمان فقط در شیراز، نزدیک به ۱۵۰ کلاس آموزش انگلیسی برگزار می‌شد که این نشان‌دهنده حرکت مردم به سمت اندیشه‌های نو بود. مردم فارس در آن زمان با توجه به نزدیکی به دریا، بیشتر شغل‌شان تجارت بود. در آن برهه دنیا و تحولات غرب را می‌شناختند، در عین حال در تهران و شیراز هم اندیشه نوخواهی و حکومت مردم بر مردم راه افتاده بود. از طرف دیگر عشایر در آن برهه قدرت کاملا قابل توجهی در مناطق جنوبی کشور داشتند. مثلا روز اول نوروز وقتی جشنی بین عشایر در مقابل خوانین برگزار می‌شود، مدل‌های هدیه‌دادن و برگزاری آن، کمتر از جشن نوروز در زمان قاجار نیست.

زندگی‌اش را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سایر عوامل این مجموعه تلویزیونی عبارتند از تهیه‌کننده؛ رضا علیپور، کارگردان؛ بهرام درخشان، نویسندگان؛ نسرین خسروچردی، سودابه امینی، مدیرتصویربرداری؛ هاشم گرامی، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز؛ امیرحسین غفاری، منشی صحنه؛ افسانه قاسمی، صداپردار؛ سیامک نیازی، مجری طرح؛ فرهاد بشارتی، مدیران تولید؛ سیاوش عزت‌خواه، اسفندیا ابراهیمی، جانشین تهیه؛

سعید علیپور، طراح گریم؛ پویان قومی، تدوینگر؛ عباس نژاد، طراح صحنه؛ سجاد عبدی، طراح لباس، مریم نیک‌رفتا، دستیار لباس؛ پرنیا علیپور؛ مدیر تدارکات؛ فرزین توکلی، جانشین تولید؛ بهرام علیپور، دستیارتهیه و مدیر روابط عمومی؛ فاطیما موسوی. بازیگران این مجموعه هم مهدی امینی خواه، نیماشاهرخ شاهی، فریبا طالبی، سیاوش قاسمی، فرهاد بشارتی، بیتا خردمند، محمد فیلی و ... هستند.



– وقتی در آن زمان با اندیشه تجدد و مشروطه‌خواهی رویه‌رویدیم همه دنیا در یک خواب بزرگ بودند – توسط قدرت‌های استبدادی و استعمار خارجی سر بریده شد. در واقع داستان روایتگر از کف‌رفتن آرزوهای یک ملت است. گلین می‌گوید: بیشتر داستان در مناطق عشایری می‌گذرد. تلاش شده بر بستری از فرهنگ، اندیشه و معیشت و شیوه زندگی عشایر جنوب ایران قصه را طراحی کنیم. درست است که این سریال به صورت خاص در یک ایل یا طایفه خاص نمی‌گذرد، اما کلیتی از زندگی، حیات، فرهنگ و شیوه زندگی آن مردم را روایت می‌کند؛ درست مثل همین مراسم جشن سربِ برون یا مراسم عروسی و عزا و کوچ‌های شان. وی در خصوص چالش‌های نشان‌دادن مراسم عشایر و جذابیت‌های آن برای مخاطب عنوان می‌کند: برخی مواقع شاهد محدودکردن فضای سریال‌ها به آیاتمان هستیم. در صورتی‌که ایران پر از تابلوهای حیرت‌انگیز بصری است؛ چه در جنوب، چه در دیگر نقاط. این سریال تلاش کرده تصاویر زیبا و دیدنی به همراه تصویربرداری خوب آقای ایرج اشوری خلق کند تا از نظر جغرافیای بصری هم مورد توجه مخاطب قرار گیرد. به نظرم مخاطب استقبال خوبی از این سریال خواهد کرد چون یک سروگردن و حتی بیشتر توانسته بالاتر از کیفیت دیگر سریال‌ها باشد. این سریال داستان جذاب، بازی‌های جذاب و فضاهای بکری را به تصویر کشیده و امیدوارم این سریال دیده شود.

چالش‌های بهادر و مهره‌های بزرگ

گلین به خط اصلی داستان اشاره کرده و می‌گوید: شخصیت اصلی سریال بهادر، کدخدای یک طایفه است و نقش آن را حسین محبوب بازی می‌کند. کد خدا در مناطق عشایری، تمام امورات را اداره می‌کند. بهادر قصه ما ابتدای قصه به طور ناخواسته دچار یک بحران بزرگ می‌شود؛ کدخدای طایفه رقیب برای خواستگاری دختر بهادر می‌آید. بین این دو طایفه همیشه رقابتی دیرین وجود داشته است. رقیب دیرینه بهادر حالا آمده دخترش را خواستگاری کند. بهادر هم زندگی‌اش را در این دختر خلاصه کرده است. در همین جا نطفه نزاع بزرگ شکل می‌گیرد. داستان به مخاطب می‌گوید که یک نبرد بین دو دشمن دیرینه را بر سر یک موضوع شاهد هستیم. به مرور بهادر شاهد خواهد بود که اختلافات میان آنها دلیل و ریشه مهم‌تری دارد. در آن زمان متوجه دنیای بالاتر شده و درک می‌کند که خان آن منطقه این بازی را اداره می‌کند. یعنی دعوا از سطح یک رقابت فردی



زاویه دید

چرا پخش «جشن سربِ برون» در نوروز اتفاق مهمی است؟

دعوت به جشن ملی

باران»، «تفنگ سربِ و ... مورد ارجاع هستند و سریال جدید «گیل‌دخت» مورد استقبال واقع شده‌است. قراردادن «جشن سربِ برون» در کنذاکتور نوروزی نشان‌دهنده تلاش تلویزیون برای خرق عادت هم هست. در سال‌های اخیر آثاری با رویکرد متفاوت در این مناسبت روی آنتن رفته و مورد توجه هم قرار گرفته است. نمونه‌اش فصل دوم «کاندو» که نوروز ۱۴۰۰ از شبکه سه پخش شد با سری دوم «نچلا» که نوروز سال قبل روی آنتن شبکه سه رفت. حالا تلویزیون با «جشن سربِ برون» می‌خواهد از این تجربیات امتحان پس‌داده بار دیگر بهره ببرد. البته در دهه ۸۰ که نوروز و محرم همزمان شده بود، «شب دهم» روی آنتن رفت که استقبال ویژه‌ای از آن شد و نشان داد می‌توان مناسبت نوروز را جور دیگری هم دید. در نوروز و رمضان مخاطب تلویزیون رشدی محسوس پیدا می‌کند و زمینه دیده‌شدن سریال‌هایش از پیش فراهم می‌شود. با این حساب انتخاب «جشن سربِ برون» که سوزه‌ای مهم دارد برای پخش در آغازین ماه بهار ۱۴۰۲ هم قابل توجه است. «جشن سربِ برون» را مجتبی راعی ساخته که در کارنامه‌اش آثار موفق زیادی به چشم می‌خورد. از این میان می‌توان به فیلم–مجموعه «سال سخت در خمین» اشاره کرد که همچنان جزو شاخص‌ترین آثار ساخته‌شده درباره امام خمینی (ره) است. او کارگردانی است که نشان داده بلد است فضاهای تاریخی را به خوبی در قاب تصویر منتقل کند. به نظر می‌رسد راعی این بار هم اثری درخور آماده کرده است. ویژگی دیگر سریال، تعدد بازیگران است. حسین محبوب، محمود پاک‌نیت، لاله اسکندری، نادر فلاح، فرخ نعمتی، سهیلا رضوی، قاسم زارع، داریوش کاردان، میرظاهر مظلومی، رامین ناصر نصیر، مهدی فقیه، زنده‌یاد کریم اکبری مبارکه، صدرالدین حجازی، بیوک میرزایی، مهران نائل و ... در «جشن سربِ برون» بازی کرده‌اند. تعدد بازیگر به همراه تنوع لوکیشن و قصه از دیگر امتیازهایی است که می‌تواند به کمک سریال نوروزی– رضضانی شبکه سه بیاید.

گزارش تصویری



سفر به دل مردمان قدیم

سریال «جشن سربِ برون» به‌واسطه سفر به دل تاریخ و تنیدن آن در درل قصه‌ای برآمده از قوه تخیل نویسندگان، احتمالا فضایی خوش‌آب‌ورنگ را برای بینندگان ترسیم می‌کند که از لباس‌های عهد قاجار تا آداب و سنن ایرانی در آن ایام را بازنمایی کرده است. به همین دلیل می‌توان انتظار داشت قاب‌های تصویری زیبایی با تماشای این سریال مقابل چشم‌مان نقش خواهد بست.



برای دیدن تیزر این سریال گواگردک را اسکن کنید

نگاه

سرخوی سیاه قصه

نام نادر فلاح، بازیگر توانمند سینما، تئاتر و تلویزیون در مجموعه بازیگران این سریال به چشم می‌خورد. درواقع از دیگر نقش‌های اصلی سریال که نامش در خلاصه قصه هم ذکر شده، «سرخو» به نقش آفرینی فلاح است. او بازیگری است که وزن نقش‌های به اصطلاح منفی یا خاکستری کارنامه‌اش بر نقش‌های مثبتش سنگینی می‌کند. این بازیگر که او را در سریال‌هایی نظیر زمین‌گرم، زیرخاکی و ... دیده‌ایم درباره نقش خود در جشن سربِ برون به جام جم می‌گوید: «فکر می‌کنم سرخو شخصیت سیاهی باشد، البته آقای راعی در پرداخت شخصیت خیلی اصرار ندارد او را سیاه نشان دهد اما در تعارفی که ما داریم، بد محسوب می‌شود. کلا هر کسی که در درام، عملی را انجام می‌دهد از نظر خودش کار درستی کرده است، سرخو هم همین‌گونه فکر می‌کند اما وقتی دیگری به قضاوت می‌نشیند، کارهایش را درست و اخلاقی نمی‌داند.»

به گفته فلاح، این شخصیت در طول قصه بیشترین درگیری‌ها را با شخصیت اصلی یعنی بهادر با بازی حسین محبوب دارد. سرخو در قصه شخصیتی موثر و پیش‌برنده است. همیشه در انتخاب‌هایم میزان تاثیرگذاری نقش در قصه و درگیری‌های دراماتیک او با دیگر شخصیت‌ها برابرم اهمیت دارد.



رخ

پیرمردی به نام پیروز

مهدی فقیه را بیشتر در فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی دیده ایم. او در سریال جشن سربِ برون، نقش مردی به نام «پیروز» را بازی می‌کند که یکی از شخصیت‌های عشایری است. اگر حرفی می‌زند و اشکال و ایرادی را بیان می‌کند، تنها برای سربلندی ایش است.

او تفکرات ملی و مردمی دارد و منافع جمع را بر منافع خود ترجیح می‌دهد. وی در گفت‌وگویی در این باره بیان کرده‌بود: اصولا ایلات و عشایر دور هم زندگی می‌کنند، بسیار مهربان هستند و از قدیم‌الایام خالصانه دامپروری می‌کنند تا گوشت مردم شهر را تأمین کنند. البته در تمام دوره‌ها افرادی بوده‌اند که ایلات را مورد آذیت و آزار قرار می‌دادند و زیاده‌خواهی می‌کردند. قصه سریال جشن سربِ برون هم حول همین محورهای می‌چرخد. وی درباره گویشی که در این سریال دارد هم افزود: من خودم شیرازی هستم؛ اما آقای راعی توصیه کردند هیچ لهجه‌ای نداشته باشم. در کل، متن فیلم‌نامه اهنگت خاصی دارد. این داستان به تمام عشایر بازمی‌گردد و اصولاً نوع زندگی و رفتار عشایر از شرق تا غرب نزدیک به هم است و شاید به همین دلیل بازیگران سریال نباید لهجه داشته باشند.